

تأثیر استراتژیهای متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی با نقش نظارتی هیئت مدیره

حمید سلمانی^۱

علی یعقوبی^۲

سید محمد صادق بهشتی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

چکیده

امروزه در ادبیات مالی شرکت ها، اجتناب از مالیات یکی مهم ترین بحث های مالی است و توجه زیادی در بحث های سیاسی و دانشگاهی پیدا کرده است. اجتناب مالیاتی به انواع استراتژی ها و شیوه های برنامه ریزی مالیاتی با هدف کاهش درآمد مشمول مالیات اشاره دارد. تنوع بخشی شرکت ها نیز، نوعی استراتژی است که شرکت ها برای تنوع بخشیدن به کسب و کار خود از آن استفاده می کنند. هدف از تحقیق حاضر تأثیر استراتژی های متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره است. این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی است. نمونه آماری تحقیق شامل ۱۴۲ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ است. روش تجزیه و تحلیل نیز رگرسیون چندگانه با داده های پانلی است. نتایج آزمون فرضیه های تحقیق نشان دهنده تأیید تأثیر مثبت و معنادار استراتژی متنوع سازی بین المللی بر نرخ مؤثر مالیاتی تأیید تأثیر مثبت و معنادار استراتژی متنوع سازی صنعتی بر نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی است. در نهایت مشخص شد استراتژی متنوع سازی بین المللی و استراتژی متنوع سازی صنعتی با نظارت هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیات نقدی تأثیر معناداری ندارند و فقط استراتژی متنوع سازی صنعتی با نظارت هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر منفی و معناداری دارد.

واژگان کلیدی

استراتژی های متنوع سازی، اجتناب مالیاتی با تأکید، نقش نظارتی هیئت مدیره

۱. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام، گروه حسابداری، تهران، ایران.

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام، گروه حسابداری، تهران، ایران.

۳. استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام، دانشکده حسابداری، تهران، ایران.

مقدمه

امروزه در ادبیات مالی شرکت ها، اجتناب از مالیات یکی مهم ترین بحث های مالی است و توجه زیادی در بحث های سیاسی و دانشگاهی پیدا کرده است (حسینوف و کلام، ۲۰۱۲). اجتناب مالیاتی به انواع استراتژی ها و شیوه های برنامه ریزی مالیاتی با هدف کاهش درآمد مشمول مالیات اشاره دارد. شرکت ها از این استراتژی ها برای اجتناب از مالیات خود و افزایش درآمد پس از مالیات بدون نقض قوانین مالیاتی استفاده می کنند (ویلسون، ۲۰۰۹ و لیسوسکی، ۲۰۱۰). اجتناب مالیاتی را می توان به طور کلی به عنوان تصمیماتی تعریف کرد که مالیات صریح شرکت را کاهش می دهد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۶).

از نظر پیامدهای اقتصادی، اجتناب مالیاتی می تواند به عنوان یک فعالیت ارزش آفرین در نظر گرفته می شود، زیرا جریان های نقدی پس از مالیات شرکت را افزایش می دهد (بلایلوک، ۲۰۱۶ و گونتر و همکاران، ۲۰۱۷). با این حال، فعالیت های اجتناب از مالیات نیز ممکن است انواع مختلفی از خطرات را تشدید کند: هزینه های نمایندگی (که ممکن است منجر به استخراج اجاره مدیریتی شود (دسای و درامپالا، ۲۰۰۶))، ریسک اطلاعات، (که به شفافیت کمتر اطلاعات مالی دلالت دارد (بالاکریشن و همکاران، ۲۰۱۹)) و خطر حسابرسی شهرت یا مالیات (که ممکن است منجر به هزینه های دادرسی و جریمه شود (میلز، ۱۹۹۸)). فرض غالب این است که اجتناب مالیاتی باعث صرفه جویی در منابع برای شرکت ها و افزایش سود سهامداران می شود. مالیات بر درآمد شرکتی می تواند سرمایه گذاری سرمایه شرکت و بهره وری کلی عوامل را با افزایش هزینه سرمایه برای کسب و کارها، تحریف قیمت عوامل و کاهش بازده سرمایه گذاری پس از مالیات کاهش دهد (چویک و همکاران، ۲۰۲۲).

از طرف دیگر امروزه دیدگاه تنوع بخشی شرکت ها نیز بصورت فزاینده مورد بحث محققان قرار گرفته است. تنوع بخشی شرکت ها، استراتژی ای است که شرکت ها برای تنوع بخشیدن به کسب و کار خود از آن استفاده می کنند (ژنگ، ۲۰۱۷). محققان تنوع را با طیف وسیعی از منافع مانند قدرت بازار بیشتر، تخصیص کارآمد، عامل برای تولید بهتر و بهترین استفاده از منابع موجود مرتبط می دانند (چاکرابارتی و همکاران ۲۰۰۷).

شرکت های متنوع نسبت به شرکت های غیر متنوع مشکلات درآمدی نسبتاً کمتری دارند. باتیا و تاکور (۲۰۱۸) در مورد تنوع شرکت ها در شرکت های هندی مطالعه کردند و دریافتند که رابطه بین تنوع و عملکرد پس از کنترل مسائل درون زایی کاملاً معنادار و مثبت است. علاوه بر این، اولیب و همکاران (۲۰۱۹) رابطه بین سهام و تنوع شرکت در صنعت ایالات متحده را بررسی کردند و دریافتند که شرکت های متنوع ایالات متحده ارزش سهام بالایی دارند. هر شرکتی دارای ویژگی های متفاوتی مانند شرکت های غیر متنوع یا متنوع است و این ویژگی ها باعث تغییرات اجتناب های مالیاتی می شوند.

اجتناب مالیاتی شرکت ها در طول تاریخ وجود داشته است و احتمالاً تا زمانی که شرکت ها مشمول مالیات هستند، در بسیاری از کشورها رایج خواهد بود. با این حال، از دیدگاه یک شرکت، تعهد مالیاتی باری است که باید کاهش یابد تا شرکت ها بتوانند سود بیشتری تولید کنند. بنابراین اجتناب از مالیات به عنوان یکی از سیاست های استراتژیک مدیریت شرکت برای به حداکثر رساندن ارزش شرکت تلقی می شود. این اجتناب مالیاتی یا فعالیت تهاجمی مالیاتی ممکن است باعث عدم اطمینان جریان های نقدی در آینده شود، زیرا در حالی که این اقدام باعث صرفه جویی مالیاتی می شود، این احتمال نیز وجود دارد که شرکت مالیات بیشتری را به دلیل جریمه های مالیاتی یا سایر جریمه های ناشی از عدم رعایت

مالیات پرداخت کند. علاوه بر این، ریسک‌های اضافی مرتبط با ریسک‌های اطلاعات نامتقارن ممکن است به دلیل استراتژی‌های اجتناب از مالیات پیچیده و عدم شفافیت، ایجاد شوند. بنابراین، بسته به محاسبه مدیریت مربوط به هزینه‌ها و منافع این استراتژی مالیاتی، درجه اجتناب مالیاتی می‌تواند بالا و پایین باشد.

استدلال می‌شود که تنوع بخشی یکی از استراتژی‌های مدیریت مرتبط با مدیریت اجتناب مالیاتی است (آدیتاما، ۲۰۱۶، گیان و همکاران، ۲۰۱۷). این استراتژی همچنین به فعالیت‌های مدیریت سود که به منافع سهامداران آسیب می‌زند مربوط می‌شود (دالتون و همکاران، ۲۰۰۷، مسعود و همکاران، ۲۰۱۷). شرکت‌ها با ارتکاب فعالیت‌های اجتناب مالیاتی، نه تنها استراتژی متنوع‌سازی را برای گسترش کسب و کار به بازارها، بخش‌ها، صنایع یا بخش‌های خاص انجام می‌دهند، بلکه از شکاف‌ها و عدم تطابق بین سیستم‌های مالیاتی مختلف نیز بهره‌برداری می‌کنند. این فعالیت مخاطره آمیز ممکن است شرکت را در آینده تهدید کند. از این رو، در این زمینه، حاکمیت شرکتی، به ویژه نظارت دولت، نقش حیاتی ایفا می‌کند تا مدیریت کسب و کار را به نمایندگی از منافع سهامداران اداره کند و در عین حال انتظارات سایر ذینفعان را برآورده کند تا شرکت در بلندمدت ارزش لازم را کسب کند.

نظریه نهادی در ادبیات اجتناب مالیاتی و تنوع سازی، برای توضیح انگیزه‌های شرکت‌ها برای اجرای استراتژی متنوع‌سازی استفاده می‌شود. طبق نظریه نهادی، مکانیسم بازار در کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار یا اقتصادهای نوظهور کامل نیست. توسعه شرکت‌ها تا حد زیادی به کسب منابع غیر بازاری بستگی دارد (لی و همکاران، ۲۰۰۸). فرصت‌های بیشتری برای شرکت‌ها برای دستیابی به منابع غیر بازاری مختلف زمانی که در صنایع متعددی درگیر هستند، وجود دارد. یکی از این نمونه‌ها رابطه نزدیک بین شرکت‌ها و دولت است که می‌تواند به شرکت‌ها اجازه دهد مزیت رقابتی به دست آورند. علاوه بر این، برخی از محققان بر این باورند که یک شرکت متنوع می‌تواند بازار سرمایه مؤثرتری را در داخل شرکت نسبت به بازار خارجی ایجاد کند تا منابع مالی برای توسعه شرکت فراهم کند. این به دلیل جریان نقدی پایدارتر و هزینه‌های کمتر تامین مالی داخلی نسبت به تامین مالی خارجی است (اوبراین و ویلیامسون، ۱۹۷۶). محققان دیگر استدلال می‌کنند که انگیزه‌های کافی برای مدیران برای تنوع بخشیدن به شرکت وجود دارد. به عنوان مثال، عملیات متنوع سازی می‌تواند ریسک‌های پیش روی مدیران را کاهش دهد و منافع خصوصی مانند درآمد بالا، قدرت و اعتبار ایجاد کند (لولن، ۱۹۷۱). برای دستیابی به این اهداف، مدیران به طور فعال تنوع بخشی یک شرکت را ترویج خواهند کرد.

از طرف دیگر، امروزه در واحدهای تجاری، کلیه تصمیمات مهم با تأیید و نظارت هیئت مدیره واحد تجاری انجام می‌شود. به صورتیکه که مدیران اجرایی واحدهای تجاری با طرح کردن پروژه‌های اصلی و سیاست‌های کلان واحد تجاری در جلسات هیئت مدیره، تأییدیه لازم برای اجرایی کردن آن پروژه‌ها و ساسیت‌ها را از هیأت مدیره واحد تجاری دریافت می‌نمایند. از این رو، یکی از اساسی‌ترین مسائل در فعالیت واحدهای تجاری، اهمیت و نقش مهم هیئت مدیره است (ناظمی و پور عنقا، ۱۳۹۷). استقلال هیئت مدیره یکی دیگر از ویژگی‌های مهم هیئت مدیره در واحدهای تجاری است. بر اساس مکانیزم حاکمیت شرکتی خوب، وظیفه و نقش اصلی اعضای هیئت مدیره این است که بر اعمال مدیریت واحدهای تجاری نظارت کافی و مستمر داشته باشند و به سهامداران و ذی‌نفعان واحد تجاری تضمین و اطمینان این را را بدهند که مدیریت واحد تجاری در جهت منافع آنان عمل می‌نماید. اگر تمامی اعضای هیئت مدیره، مدیران اجرایی باشند، آنان کمتر به وظیفه و نقش اصلی خود در واحد تجاری یعنی نظارت کافی و اصولی بر

مدیران اجرایی و کنترل آنها، خواهند پرداخت؛ بنابراین لازم است تا تعدادی از اعضای هیئت مدیره از بیرون شرکت باشند. تضاد منافع موجود بین مدیران غیر موظف و مدیران شرکت ها، باعث نظارت بهتر هیئت مدیره مستقل بر مدیران می شود که این امر می تواند باعث کاهش اجتناب مالیاتی شود؛ بنابراین، انتظار بر این است که مدیران شرکت های متنوع، به دلیل نظارت مدیران غیر موظف، تلاش کمتری برای شرکت در فعالیت های اجتناب از مالیات انجام دهند. با توجه به موارد گفته شده در این تحقیق هدف بررسی تاثیر استراتژی های متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره است.

مبانی نظری

منابع و قابلیت های سازمانی تنوع سازی

تنوع، صنایع، بخش ها و بازارهای متعدد، چه از نظر سرمایه گذاری سرمایه، تحقیق و توسعه فناوری، یا ذخایر استعداد، چالش برانگیزتر از تولید تخصصی است. همانطور که شرکت ها رشد می کنند، انباشت تدریجی منابع و قابلیت ها شرایط لازم را برای عملیات متنوع ایجاد می کند و هزینه های بالای معامله در بازار فروش یا اجاره این منابع را از طریق ابزارهای قراردادی در بازار غیرعملی می کند. در عمل، منابعی مانند برندها، فناوری، یا تخصص مدیریت اغلب از لحاظ اقتصادی و کارآمدی داخلی بیشتر از به دست آوردن در بازار آزاد هستند. از طریق استراتژی تنوع، شرکت ها این دارایی های تخصصی را درونی می کنند و انتقال و استفاده سازمانی را امکان پذیر می سازند (مونتگومری، ۱۹۹۴؛ ویلیامسون، ۱۹۷۳؛ جی وو و همکاران، ۲۰۰۸).

تنوع بخشیدن به ریسک های تجاری

ماهیت یک استراتژی متنوع سازی دستیابی به پراکندگی ریسک و تخصیص بهینه منابع شرکت است. به دلیل عدم قطعیت های کلان محیطی و تقاضای بازار، ریسک بازار یک محصول واحد قابل توجه است. تنوع، منابع شرکت را در مناطق مختلف بازار پراکنده می کند، وابستگی به یک بازار واحد را کاهش می دهد و توانایی مقاومت در برابر خطرات را افزایش می دهد، بنابراین فرصت های توسعه بیشتری به دست می آورد (کائو و همکاران، ۲۰۱۹). تنوع می تواند از طریق استفاده از منابع داخلی با تقاضای بازار سازگار شود، در برابر عدم قطعیت های محیطی بازار، تکنولوژیکی و خارجی مقاومت کند و بازدهی پایدار و ریسک های کمتری را به دست آورد. به ویژه در مواجهه با اشباع بازار یا کندی رشد در بازار اصلی، تنوع ارزش قابل توجهی در کنترل ریسک های کلی شرکت دارد. بنابراین، تنوع به عنوان یک مکانیسم پوشش ریسک نیز عمل می کند (چان کیم و همکاران، ۱۹۸۹؛ نورتون و تننام، ۱۹۹۳؛ اولادیمجی و اودوسن، ۲۰۱۹).

تصمیمات مدیریتی

به عنوان محرک های اساسی استراتژی های مدیریت شرکت، ویژگی های شخصی مدیران شرکت ها نیز بر انتخاب استراتژی تنوع شرکت تأثیر می گذارد. برای مثال، چن و سان (۲۰۰۸)، با تمرکز بر شرکت های تولیدی در میان شرکت های فهرست شده چینی، همبستگی مثبتی بین سطح تحصیلات کارآفرین و درجه تنوع یافتند. کارآفرینان با سوابق فنی تنوع بیشتری دارند، در حالی که آنهایی که دارای سوابق مالی هستند تنوع کمتری دارند. آنها همچنین مدلی را آزمایش کردند که در آن رابطه بین سن کارآفرینان و استراتژی تنوع به طور U شکل معکوس است و کارآفرینان مرد کسب و کارهایی را با درجات بالاتری از تنوع رهبری می کنند. تجزیه و تحلیل بیشتر نشان می دهد که سرمایه اجتماعی

کارآفرینان نیز منبع اساسی مزیت رقابتی سازمانی است. سرمایه اجتماعی به کارآفرینان کمک می کند تا کانال های کسب منابع را گسترش دهند، رقابت شرکت را افزایش دهند و در نتیجه به طور مثبت تنوع شرکت ها را هدایت کنند (آدلر و کوون، ۲۰۰۲؛ اینکپن و تسانگ، ۲۰۰۵).

محیط سازمانی

استراتژی تنوع به طور قابل توجهی تحت تأثیر منابع شرکت و محیط های سازمانی مانند مداخله دولت است. در این راستا، تنوع می تواند انعطاف پذیری بیشتری را برای مقابله با عدم قطعیت ها و تغییرات در محیط خارجی برای شرکت ها فراهم کند (برگ و لاولس، ۱۹۹۸).

به دست آوردن قدرت بازار

ورود به بازارها یا صنایع جدید، به ویژه آنهایی که نزدیک به کسب و کارهای موجود یا مکمل هستند، فرصت های عالی برای شرکت ها فراهم می کند تا دامنه کسب و کار خود را گسترش دهند (گومز-مجیا، ۱۹۹۲). تنوع به شرکت ها اجازه می دهد تا سهم های بازار بزرگ تری را به دست آورند و به تسلط در بخش های بازار مربوطه دست یابند (گیان و همکاران، ۲۰۱۷). این امر شناخت برند و وفاداری مشتری را افزایش می دهد و فروش و سود کلی را افزایش می دهد. علاوه بر این، شرکت هایی که در بازارها یا صنایع مختلف فعالیت می کنند، قدرت چانه زنی بیشتری در مذاکره با تامین کنندگان، توزیع کنندگان و سایر شرکا دارند.

خطرات استراتژی تنوع

در حالی که استراتژی تنوع یک استراتژی توسعه برای شرکت ها برای پراکنده کردن ریسک های تجاری و استفاده کامل از منابع مازاد است، بسیاری از شرکت ها به دلیل این استراتژی دچار بحران یا حتی مشکلات مالی شده اند. محققان دیدگاه های مثبت و منفی در مورد اینکه آیا تنوع باعث بهبود یا کاهش عملکرد شرکت می شود، دارند. محققان حامی تنوع استدلال می کنند که می تواند با استفاده از عملکرد تخصیص منابع در بازارهای سرمایه، اقتصاد دامنه و مقیاس را به همراه داشته باشد و کارایی استفاده از منابع و رقابت محصول را بهبود بخشد. تنوع می تواند کارایی تخصیص منابع را به دلیل یارانه های متقابل داخلی و فعالیت های رانت جویی کاهش دهد و هزینه های تامین مالی را افزایش داده، جریان نقدی را مختل کند و خطرات عملیاتی را افزایش دهد و منجر به مشکلات شود. با این وجود، این به طور کامل اثربخشی استراتژی های متنوع سازی را نفی نمی کند، زیرا هنوز شاهد موفقیت بسیاری از شرکت ها در تنوع سازی هستیم. همه شرکت ها برای تنوع مناسب نیستند که به دلیل اثر ترکیبی الزامات توسعه داخلی و فرصت های بازار خارجی مشروط است. ریسک های اصلی در استراتژی تنوع بخشی شامل ریسک های نهادی، محیطی و مالی است. مطالعات موجود نشان داده اند که اجرای یک استراتژی متنوع سازی تحت تأثیر عوامل محیطی اقتصادی و نهادی کشوری است که یک شرکت در آن فعالیت می کند (چاکرابارتی و همکاران، ۲۰۰۷؛ وان و هاسکیسون، ۲۰۰۳). شرکت های متنوع در گیر در بخش های مختلف صنعت تحت تأثیر تغییرات جزئی در محیط اقتصادی و سیاست ها قرار می گیرند. استراتژی های متنوع سازی به طور قابل توجهی عملکرد شرکت را زمانی که محیط اقتصادی مساعد است بهبود می بخشد. با این حال، زمانی که محیط اقتصادی ضعیف است، شرکت ها با خطرات چند کانالی، چند وجهی و عمیق مواجه می شوند. محیط سازمانی جایگاه حیاتی در ریسک تنوع را اشغال می کند. در کشورهای بازارهای نوظهور با محیط های نهادی نسبتاً توسعه نیافته که بازارهای محصول، بازارهای عامل، اجرای قراردادها و سیستم های قانونی هنوز

ناقص هستند، هزینه‌های مبادله بازار افزایش می‌یابد و شرکت‌ها را وادار می‌کند تا استراتژی‌های متنوع‌سازی را برای درونی کردن این هزینه‌ها و کاهش ریسک‌ها و عدم قطعیت‌ها از طریق ایجاد بازارهای سرمایه داخلی اتخاذ کنند. در مقابل، شرکت‌های کشورهای توسعه‌یافته با مؤسسات بالغ، با مقررات و محدودیت‌های مالی متعددی مواجه هستند که بر تنوع در عملکرد شرکت تأثیر منفی می‌گذارد.

ریسک مالی یک ریسک مهم و قابل احتیاط در تنوع بخشیدن به استراتژی‌ها است. ریسک‌های مالی ناشی از سرمایه‌گذاری‌های متنوع عمدتاً به شرکت‌هایی اشاره دارد که سرمایه‌گذاری‌های بیش از حد در صنایع دیگر را افزایش می‌دهند که منجر به جریان ناکافی سرمایه برای برآورده کردن نیازهای سرمایه‌گذاری در حال گسترش می‌شود، در نتیجه مجبور به کسب سرمایه از طریق تامین مالی خارجی می‌شوند. این منجر به سطوح بالای بدهی، افزایش ریسک بازپرداخت، کاهش کیفیت سود، افزایش ریسک‌های عملیاتی و کاهش نتایج مالی می‌شود. زمانی که شرکت‌ها بیش از حد متنوع می‌شوند که منجر به کاهش سرمایه می‌شود، ریسک مالی کلی شرکت افزایش می‌یابد.

اجتناب مالیاتی

تنوع شرکت‌ها زمینه آزمایش جذابی را برای بررسی عوامل تعیین‌کننده اجتناب مالیاتی فراهم می‌کند. اثر بیمه مشترک ناشی از تنوع ممکن است به شرکت‌ها اجازه دهد تا درآمدهای خود را در بخش‌های مختلف کسب و کار مدیریت کنند (لاولن و اتریچ، ۲۰۰۶). این همچنین نشان می‌دهد که شرکت‌های متنوع ممکن است فرصت‌هایی برای انتقال قیمت‌ها در بخش‌ها و مناطق مختلف کسب‌وکار داشته باشند و بنابراین، در شیوه‌های اجتناب از مالیات شرکت کنند. ادبیات مالیاتی همچنین نشان می‌دهد که مالیات‌ها نقش کلیدی در توضیح اینکه چرا شرکت‌ها قیمت‌ها را مدیریت می‌کنند، بازی می‌کنند (هریس و سانسینگ ۱۹۹۸؛ سانسینگ ۱۹۹۹؛ سیمث ۲۰۰۲؛ کلاوزینگ ۲۰۰۳؛ بالدنیوس، ملوماد و رایکلشتاین ۲۰۰۴).

اگرچه ادبیات زیادی در مورد تنوع شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی وجود دارد، محققان تأثیر تنوع شرکت‌ها را بر اجتناب مالیاتی بررسی نکرده‌اند. مطالعات قبلی که ارتباط بین تخفیف تنوع و حاکمیت شرکتی را مورد بررسی قرار می‌دهد، تضاد نمایندگی بین سهامداران و مدیران را برجسته می‌کند (آگاروال و سامویک ۲۰۰۳). شرکت‌های متنوع، حاکمیت ضعیف‌تری نسبت به شرکت‌های مستقل دارند (دنیس و همکاران ۱۹۹۷؛ هیول، اشمید، والتر و یرماک ۲۰۱۲). حاکمیت ضعیف‌تر، رابطه بین عوامل و مدیران را مختل می‌کند و باعث می‌شود که مدیران شرکت نسبت به افزایش ارزش شرکت از طریق اجتناب مالیاتی تهاجمی کمتری داشته باشند (دسای و دارماپالا ۲۰۰۶). حاکمیت ضعیف‌تر نشان می‌دهد که شرکت‌های متنوع، در مقایسه با شرکت‌های مستقل، ممکن است در شیوه‌های اجتناب مالیاتی کمتری شرکت کنند. شرکت‌های متنوع دارای ساختارهای مالکیتی متمایز از شرکت‌های مستقل هستند. ساختار مالکیت شامل نظارت بیرونی و کنترل‌های داخلی است که هر دو روی شیوه‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند.

تفاوت ویژگی‌های شرکت بین شرکت‌های مستقل و متنوع می‌تواند باعث نوسانات اجتناب مالیاتی شود. به عنوان مثال، اندازه شرکت و هزینه‌های تحقیق و توسعه را در نظر بگیرید. زیمرمن (۱۹۸۳) دریافت که اندازه شرکت به طور مثبت با نرخ مالیات موثر شرکت مرتبط است. براون و کرول (۲۰۰۸) نشان می‌دهند که شرکت‌ها برای استفاده از اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه، هزینه‌های تحقیق و توسعه را افزایش می‌دهند؛ بنابراین، شرکت‌ها می‌توانند از طریق هزینه‌های تحقیق و توسعه در فعالیت‌های اجتناب از مالیات شرکت کنند. شرکت‌های متنوع نسبت به شرکت‌های مستقل،

صرفه جویی در مقیاس بزرگتر و هزینه های تحقیق و توسعه کمتری دارند. هر دو ویژگی اجازه می دهد پیش بینی شود که شرکت های متنوع، سطوح پایین تری از اجتناب مالیاتی نسبت به شرکت های مستقل دارند. اگر همه اظهارات فوق صادق باشد، باید انتظار داشت که اجتناب مالیاتی در شرکت های متنوع با ویژگی های شرکت ذکر شده توضیح داده شود. با این حال، تعهد مالیاتی ممکن است به عنوان یک نتیجه از تصمیمات تامین مالی و سرمایه گذاری باشد. مالیات به طور بالقوه بر استراتژی های مالی و عملیاتی شرکت و تصمیمات سرمایه گذاری تأثیر می گذارد؛ اما "اینکه آیا اثرات مالیاتی از اهمیت درجه اول برخوردار هستند" (گراهام ۲۰۰۳؛ هانلون و هایتمن ۲۰۱۰) هنوز یک سوال باز است. اثرات مالیاتی با تصمیمات سرمایه گذاری، تامین مالی و عملیاتی که در یک شرکت گرفته می شود رخ می دهد. لامونت (۱۹۹۷)، شین و استولز (۱۹۹۸) و اوزباس و شرفشتاین (۲۰۱۰) دریافتند که الگوهای سرمایه گذاری ناکارآمد با تخفیف تنوع مرتبط هستند. گراهام، لمون و ولف (۲۰۰۲) دریافتند که به دست آوردن دارایی های با ارزش پایین بر ارزش گذاری پایین شرکت در شرکت های متنوع تأثیر می گذارد. از طریق تنوع، مدیران می توانند از مزایای خصوصی مانند موقعیت اجتماعی بالاتر، استحکام و ساختن امپراتوری برخوردار شوند (جنسن ۱۹۸۶؛ شلیفر و ویشنی ۱۹۸۹؛ گیونز و مورفی ۱۹۹۲؛ آگاروال و سامویک ۲۰۰۳). در نتیجه، سطوح پایین تر اجتناب مالیاتی در شرکت های متنوع می تواند نتیجه غیرمستقیم تصمیم های سرمایه گذاری ناکارآمد باشد.

به عنوان یک تشبیه کلی تر، اجتناب از مالیات را می توان به عنوان ایجاد یک بدهی احتمالی در نظر گرفت که در آن یک هزینه مالیاتی بالقوه (بدهی مالیاتی) ممکن است به نتیجه رویدادهای نامشخص آینده (به عنوان مثال، موفقیت شرکت در انجام اجتناب مالیاتی) بستگی داشته باشد. در حالی که هزینه مالیات بالقوه را می توان به طور منطقی تخمین زد، مبلغ نهایی و در نتیجه مبلغ نهایی اجتناب مالیاتی به این رویدادهای نامشخص و آینده بستگی دارد. مطالعات در مورد اجتناب مالیاتی بسیاری از متغیرهای تبیین کننده اجتناب از مالیات را پیش بینی می کند، از جمله ویژگی های شرکت مانند اندازه شرکت، استراتژی کسب و کار و چند ملیتی (هیگینز و همکاران، ۲۰۱۱)، ساختارهای مالکیت مانند مالکیت خانواده، مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی (کابلو و همکاران، ۲۰۱۹؛ گایا و همکاران، ۲۰۱۷)؛ ویژگی های اجرایی (میلز و لاو، ۲۰۱۷؛ استگلبرگ، ۲۰۱۶)، ویژگی های حسابرسان (گایا و همکاران، ۲۰۱۷)، حاکمیت شرکتی (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۳)، توانایی مدیریتی (فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۳؛ پارک و همکاران، ۲۰۱۶)، ارزش شرکت (حسن و همکاران، ۲۰۱۴)، ریسک شرکت (گونتر و همکاران، ۲۰۱۷؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۱) و مسئولیت اجتماعی شرکت (گورک، ۲۰۱۹؛ ژنگ، ۲۰۱۶).

شرکت ها استراتژی هایی را برای افزایش مزیت های رقابتی خود و پیشی گرفتن از رقبای خود برای به حداکثر رساندن سود اجرا می کنند که معمولاً در تنوع شرکت ها، تمرکز مصرف کننده و معاملات با اشخاص وابسته آشکار می شود. در همین حال، طبق نظریه نمایندگی، مدیران اطلاعات بیشتری نسبت به سهامداران دارند. از این رو، آن ها می توانند از استراتژی های شرکت برای سود بردن خود استفاده کنند (اسکات، ۲۰۱۵)، از جمله با درگیر شدن در اجتناب از مالیات. تنوع شرکت منعکس کننده استراتژی های مرتبط با محصول شرکت است که بر بسیاری از بخش های تجاری متکی است (ژنگ، ۲۰۱۷). استراتژی های متنوع سازی، شرکت ها را تشویق می کند تا از نظر عملیاتی پیچیده تر شوند، هزینه های عملیاتی و حسابرسی بالاتری را متحمل شوند و بیشتر در اجتناب از مالیات شرکت کنند. با این حال، ژنگ (۲۰۱۷) مستند می کند که شرکت های متنوع تر آمریکایی نسبت به شرکت هایی که تنوع کمتری ندارند، فعالیت های اجتناب از

مالیات کمتری را انجام می‌دهند. ژنگ (۲۰۱۷) همچنین نشان می‌دهد که شرکت‌ها اجتناب مالیاتی خود را به طور قابل توجهی پس از تنوع شرکت افزایش نمی‌دهند. این یافته‌ها مطابق با یافته‌های تحقیق اوتاما و همکاران (۲۰۲۰) است. وحدانی و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند شرکت‌های متنوع فروش بیشتر و جریان‌های نقدی پایدارتری را نشان می‌دهند. در نتیجه، آنها کمتر احتمال دارد که برای اهداف مربوط به وجه نقد در اجتناب از مالیات شرکت کنند.

بر اساس تئوری نمایندگی، مدیران شرکت را به نفع خود متنوع می‌کنند. این مزایا ممکن است شامل دستمزد بالاتر برای مدیریت یک شرکت متنوع (در مقایسه با مدیریت یک شرکت مستقل) باشد. همچنین، این واقعیت که مدیریت یک شرکت متنوع، چشم انداز شغلی آینده مدیر را افزایش می‌دهد، به عنوان مدیریت یک شرکت متنوع، معتبرتر از مدیریت یک شرکت مستقل است. بسیاری از مطالعات در مورد تنوع شرکت‌ها عمدتاً در مورد عواملی هستند که تخفیف تنوع را تعیین می‌کنند. با این حال، تعداد کمی از رابطه بین تنوع شرکت و فعالیت‌های اجتناب از مالیات را بررسی می‌کنند. تحقیقات اخیر در مورد رابطه تنوع شرکت‌ها با فعالیت‌های اجتناب از مالیات توسط ژنگ (۲۰۱۷) انجام شده است. این مطالعه نشان داد که تنوع شرکت‌ها با اجتناب مالیاتی ارتباط منفی دارد. فرض بر این بود که شرکت‌های متنوع به دلیل حاکمیت شرکتی ذاتاً ضعیف، کمتر در اجتناب مالیاتی شرکت می‌کنند. به دلیل ساختار مالکیت، منافع مدیر و مالک به اندازه کافی همسو نیستند. از این رو مدیران در پیگیری اجتناب مالیاتی برای به حداقل رساندن هزینه‌ها تهاجمی نیستند. با این حال، در پایان، ژنگ (۲۰۱۷) نشان داد که اگرچه حاکمیت شرکتی (از طریق ساختار مالکیت) نقش اساسی در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی ایفا می‌کند، اما قدرت اضافی برای توضیح سطوح پایین فعالیت‌های اجتناب مالیاتی به طور خاص در شرکت‌های متنوع را ندارد.

ساختار شرکت‌های متنوع همچنین می‌تواند فعالیت‌های اجتناب از مالیات آنها را که تمایل به ساختار سازمانی پیچیده دارند، توضیح دهد. این امر مستلزم تلاش مضاعفی توسط حساب‌برسان برای حساب‌رسی یک شرکت با ساختار پیچیده تر است. این پنجره فرصتی را برای مدیران فراهم می‌کند تا هزینه‌ها را از طریق فعالیت‌های اجتناب از مالیات کاهش دهند.

مالیات بزرگترین منبع درآمد برای دولت است و بخش عمده‌ای از آن از مالیات‌های مستقیم حاصل می‌شود. مالیات شرکت‌ها نوعی مالیات مستقیم است و مسئولیت پرداخت سهم منصفانه مالیات خود به دولت بر عهده شرکت‌ها است (رائو و چاکرابورتی، ۲۰۱۰). مالیات‌ها هزینه ثابتی در برابر سود شرکت است و سود توزیع شده موجود برای سهامداران را کاهش می‌دهد (پوترا، دوی و سریوداری، ۲۰۱۸). شرکت‌ها روش‌های قابل قبول (مدیریت مالیاتی) و غیر قابل قبول (فرار مالیاتی) را برای کاهش بدهی مالیاتی خود اتخاذ می‌کنند (علیانی، ۱۳۹۲). اجتناب مالیاتی قانونی است و با بهره‌گیری از خلأهای مالیاتی انجام می‌شود، در مقابل فرار مالیاتی ناقض قوانین مالیاتی بوده و قابل مجازات و غیرقابل قبول است (فیشر، ۲۰۱۴). اجتناب از مالیات شرکتی به عنوان یک موضوع نگرانی عمومی و به طور مداوم توجه محققان را به خود جلب می‌کند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶؛ هانلون و هایتمن، ۲۰۱۰؛ هوانگ، یینگ و شن، ۲۰۱۸؛ پوترا و همکاران، ۲۰۱۸). فعالیت‌های اجتناب از مالیات نتیجه امتیازات و معافیت‌هایی است که دولت در اختیار شرکت‌ها قرار می‌دهد. شرکت‌ها برای کاهش بدهی مالیاتی خود از تکنیک‌های مختلفی مانند سرمایه‌گذاری بیشتر در دارایی‌های ثابت، انتقال سود به کشورهای دیگر، فرسایش پایه، کاهش سرمایه و غیره استفاده می‌کنند. هیچ تعریف جهانی از اجتناب مالیاتی وجود ندارد.

مفهوم اجتناب مالیاتی توسط نویسندگان مختلف به زبان خودشان تعریف شده است، مانند هانلون و هیتسمن (۲۰۱۰)، ص ۱۳۷) اجتناب مالیاتی را به عنوان استراتژی های برنامه ریزی مالیاتی که در آن فعالیت های کاملاً قانونی در یک انتها قرار دارند و فعالیت های تهاجمی در انتهای دیگر هستند، توصیف می کنند. دیرنگ و همکاران (۲۰۱۰) اظهار می کنند که تمام تراکنش های مالی که منجر به کاهش بدهی مالیاتی می شوند، رفتار اجتناب از مالیات شرکت را منعکس می کنند. اجتناب از مالیات یک راه قانونی برای کاهش بار مالیاتی است (اسلمرود، ۲۰۰۴؛ اسلمرود و گیلترز، ۲۰۱۴). در حالی که فرار مالیاتی به تخریب اسناد اصلی، تولید صورت های مالی جعلی، تغییر ورودی های اصلی و هر فعالیت دیگری که موجب پناه گیری مالیاتی می شود اشاره دارد. ادبیات موجود (فاستر بک، ۲۰۱۳؛ لنز، ۲۰۲۰) بیان می کند که اجتناب مالیاتی، مدیریت مالیاتی و برنامه ریزی مالیاتی همگی اصطلاحات همزمان هستند در حالی که فرار مالیاتی یک عمل غیرقانونی کاهش مالیات است.

پیشینه تحقیق

ولته (۲۰۲۴) در یک مطالعه مروری به بررسی ارتباط ساختار مالکیت و اجتناب از مالیات پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد در ارتباط با مبانی نظری ساختار مالکیت، در بیشتر تحقیقات انجام شده به ارتباط اجتناب مالیاتی و مالکیت نهادی، مالکیت دولتی و مالکیت خانوادگی اشاره شده است. علاوه بر این، به جز مالکیت دولتی، هیچ نتایج روشنی در مورد تأثیر انواع مالکیت اشاره در راستای چارچوب نظری- نمایندگی نویسنده یافت نمی شود.

المحرم و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه ای به بررسی تأثیرات کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مالکیت خانواده و اجتناب مالیاتی شرکت ها پرداختند. در دوره زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ با بررسی شرکت های اردنی، نتایج نشان داد که شرکت های خانوادگی دارای سطوح بالایی از اجتناب مالیاتی هستند. این نتیجه از فرضیه سلب مالکیت منافع خصوصی پشتیبانی می کند. با توجه به اثر میانجی متغیرهای حاکمیت شرکتی، نتایج نشان داد که کمیته های حسابرسی بزرگ و کمیته های حسابرسی که بیشتر تشکیل جلسه می دهند، از تلاش های مالکان خانواده برای اجتناب از پرداخت مالیات جلوگیری می کنند.

پرامودیتو و نورینا (۲۰۲۳) در مطالعه ای به بررسی تأثیر استراتژی متنوع سازی بر پرخاشگری مالیاتی شرکت با اثربخشی هیئت مدیره به عنوان متغیر تعدیل کننده پرداختند. بر اساس اطلاعات ۲۴۶ شرکت از کشور اندونزی در سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ نتایج تحقیق نشان داد که شرکت هایی که دارای استراتژی تنوع بین المللی هستند، به طور مثبت با پرخاشگری مالیاتی شرکت ها مرتبط هستند. از سوی دیگر، شرکت هایی که استراتژی های متنوع سازی صنعتی را انجام می دهند، مدیریت مالیاتی ناکارآمدی داشتند.

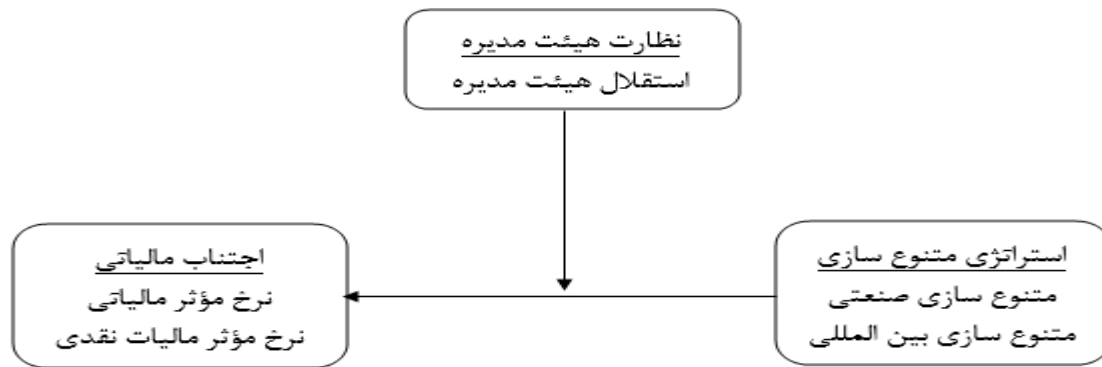
کین و همکاران (۲۰۲۲) در بین شرکت های چینی رابطه بین استراتژی متنوع سازی شرکت ها و اجتناب از مالیات شرکت ها را بررسی کردند. برخلاف دیدگاه سنتی که شرکت های متنوع بیشتر مستعد اجتناب مالیاتی هستند، مطالعه حاضر نشان داد که سطح اجتناب مالیاتی شرکت های متنوع کمتر از شرکت های غیر متنوع است. نتایج بیشتر همچنین نشان داد که ماهیت حقوق مالکیت و نظارتی که شرکت ها با آن مواجه هستند، می تواند بر رابطه متنوع سازی شرکت ها و اجتناب مالیاتی تأثیر گذار باشد. یافته ها نشان داد که شرکت های دولتی متنوع سطوح اجتناب مالیاتی کمتری نسبت به شرکت های غیردولتی متنوع دارند و تأثیرات نظارت داخلی و خارجی بر اجتناب مالیاتی متفاوت است.

بوسف زاده و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه ای به بررسی تاثیر استراتژی های متنوع سازی بر عملکرد موجودی کالا پرداختند. نتایج تجزیه و تحلیل ۱۲۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ نشان داد که متنوع سازی مرتبط و بین المللی تاثیر مثبت و معنی داری بر عملکرد موجودی داشته است. هم چنین یافته ها حاکی از آن بوده است که متنوع سازی غیر مرتبط دارای اثر معکوس بر عملکرد موجودی بوده اما این رابطه از لحاظ آماری معنادار نبوده است. قوت مند جزی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه ای نقش متنوع سازی استراتژی های برنامه ریزی مالیاتی در تبیین رابطه اجتناب مالیاتی با ریسک مالیاتی را مورد بررسی قرار دادند. با تجزیه و تحلیل اطلاعات ۱۶۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴، نتایج نشان داد با استفاده از معیار ریسک مالیاتی مبتنی بر انحراف استاندارد، نرخ های موثر مالیاتی نقدی و معیار ریسک مالیاتی مبتنی بر شکست نرخ مالیات، افزایش منابع اجتناب مالیاتی در سطح اطمینان ۹۰ درصد به کاهش ریسک مالیاتی منجر می شود. همچنین، با استفاده از معیار ریسک کلی شرکت، ضریب متغیرهای متنوع سازی مثبت و معنادار بوده که نشان دهنده افزایش ریسک شرکت با افزایش منابع اجتناب از مالیات است. این نتایج نشان می دهند علیرغم تاثیر منفی متنوع سازی استراتژی های برنامه ریزی مالیاتی روی ریسک مالیاتی، این متغیر باعث افزایش ریسک کلی شرکت می شود.

دارابی و دادبه (۱۳۹۹) در مطالعه ای به بررسی تاثیر متنوع سازی تجاری بر عملکرد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. با تجزیه و تحلیل ۱۳۳ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸، نتایج تحقیق نشان داد متغیر متنوع سازی تجاری بر کارایی عملکرد شرکتی تاثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارتی نتایج نشان داد تنوع داشتن محصولات شرکت به دلیل اینکه تخصص های مختلفی را جهت تولید طلب می کند و همچنین باعث افزایش درآمد شرکت از طریق فروش محصولات متنوع و افزایش سهم بازار شرکت می شود باعث افزایش کارایی شرکت می شود. دارابی و برزگر (۱۳۹۷) تاثیر اجتناب از مالیات بر رابطه بین مالکیت دولتی و محدودیت مالی شرکت ها را مورد بررسی قرار دادند. با تجزیه و تحلیل اطلاعات ۱۱۴ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵، نتایج نشان داد بین شرکت هایی با مالکیت دولتی نسبت به شرکت هایی بدون مالکیت دولتی با محدودیت مالی رابطه معناداری وجود ندارد. به علاوه بین متغیرهای تعاملی مالکیت دولتی با نرخ موثر هزینه مالیات، نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات با محدودیت مالی رابطه ای یافت نشد.

مدل مفهومی تحقیق

در این تحقیق اجتناب مالیاتی که از طریق دو شاخص مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی اندازه گیری می شود، متغیر وابسته، استراتژی متنوع سازی که از طریق متنوع سازی بین المللی و متنوع سازی صنعتی اندازه گیری می شود به عنوان متغیر مستقل و نظارت هیئت مدیره که از طریق استقلال هیئت مدیره اندازه گیری می شود به عنوان متغیر تعدیلگر می باشند. نحوه تاثیر گذاری متغیر ها در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

تعاریف مفهومی متغیرهای تحقیق

استراتژی متنوع سازی: یک شرکت استراتژی متنوع سازی شرکتی را هنگامی که در چندین صنعت یا بازار به طور همزمان فعالیت می کند، اجرا می نماید. هنگامی که یک شرکت در چندین صنعت به طور همزمان فعالیت می کند، گفته می شود که استراتژی متنوع سازی محصول (تجاری) را اجرا نمود و هنگامی که یک شرکت در چندین بازار (منطقه) جغرافیایی (بین المللی) فعالیت می نماید گفته می شود استراتژی متنوع سازی جغرافیایی را اجرا می نماید (دارابی و دادبه، ۱۳۹۹).

اجتناب مالیاتی: اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان کاهش مالیات آشکار هر ریال از سود قبل از مالیات تعریف شده است. فعالیت های اجتناب از پرداخت مالیات به طور متداول به ابزارهای صرفه جویی مالیات که منابع را ازدولت به سهامداران انتقال می دهد و ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می دهد، اطلاق می شود (طلائی زاده و همکاران، ۱۳۹۹). منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش برای کاهش مالیات های پرداختی است. درواقع اجتناب از مالیات نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات است (هانلون و اسلمرو، ۲۰۰۹).

استقلال هیئت مدیره: به مدیران داخلی که مدیریت اجرایی شرکت را به عهده دارند، مدیران موظف گفته می شود. مدیران غیر موظف مسئولیتی در شرکت ندارند و فقط در تصمیم گیری ها شرکت می کنند. هیئت مدیره ای کارا است که در آن ترکیبی از مدیران غیر موظف و موظف وجود داشته باشد. نسبت مدیران غیر موظف به کل مدیران را استقلال هیئت مدیره می گویند (شجاع اله کائی و نیک کار، ۱۳۹۷).

تعاریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

اجتناب مالیاتی: عبارت است از اجتناب مالیاتی که برای اندازه گیری آن از دو شاخص نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی که بصورت زیر اندازه گیری می شوند، استفاده می شود. هر چه نرخ مؤثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است (صفری گرایلی و پودینه، ۱۳۹۵).

متنوع سازی بین المللی: عبارت است متغیر مجازی به این صورت که اگر فروش بین المللی شرکت از ۱۰ درصد فروش کل شرکت بیشتر باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می گیرد (پرامودیتو و نورینا، ۲۰۲۳).

متنوع سازی صنعتی: عبارت است متغیر مجازی به این صورت که اگر شرکت در بیش از یک صنعت فعالیت داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می گیرد (پرامودیتو و نورینا، ۲۰۲۳). این متغیر به شکل زیر نیز می تواند

اندازه گیری شود. در صورتیکه تعداد بخش های تجاری شرکت بیش از یک واحد باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می گیرد. بخش های تجاری تجاری جزئی قابل تفکیک از واحد تجاری است که یک محصول یا خدمت یا گروهی از محصولات یا خدمات مرتبط را ارائه می کند و دارای مخاطره و بازده متفاوت از سایر قسمت های واحد تجاری است (قادری و قادری، ۱۳۹۶).

نظارت هیئت مدیره: برای اندازه گیری نظارت هیئت مدیره از متغیر استقلال هیأت مدیره که بیانگر نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیأت مدیره است، استفاده می شود (ناظمی و پورعنقا، ۱۳۹۷).

مدل های رگرسیونی تحقیق

برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل های رگرسیونی زیر استفاده می شود.

$$TaxAvoid_{it} = \beta_0 + \beta_1 DInt_{it} + \beta_2 DCog_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 CAPINT_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$TaxAvoid_{it} = \beta_0 + \beta_1 DInt_{it} + \beta_2 DCog_{it} + \beta_3 BD_{it} + \beta_4 DInt_{it} * BD_{it} + \beta_5 DCog_{it} * BD_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 CAPINT_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

در مدل های بالا، متغیرهای تحقیق عبارتند از:

$TaxAvoid_{it}$: عبارت است از اجتناب مالیاتی که برای اندازه گیری آن از دو شاخص نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی که بصورت زیر اندازه گیری می شوند، استفاده می شود. از آنجا هر چه نرخ مؤثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است، لذا نرخ های مالیاتی محاسبه شده، در عدد منفی یک ضرب می شود (صفری گشودی و پودینه، ۱۳۹۵).

ETR_{it} : نرخ مؤثر مالیاتی

عبارت است از نسبت کل هزینه مالیات به سود قبل از مالیات (پرامودیتو و نوریانا، ۲۰۲۳).

$CETR_{it}$: نرخ مؤثر مالیات نقدی

عبارت است از نسبت مالیات نقدی پرداختی تقسیم بر سود قبل از مالیات شرکت ها (پرامودیتو و نوریانا، ۲۰۲۳).

$DInt_{it}$: متنوع سازی بین المللی

عبارت است متغیر مجازی به این صورت که اگر فروش بین المللی شرکت از ۱۰ درصد فروش کل شرکت بیشتر باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می گیرد (پرامودیتو و نوریانا، ۲۰۲۳).

$DCog_{it}$: متنوع سازی صنعتی

عبارت است متغیر مجازی به این صورت که اگر شرکت در بیش از یک صنعت فعالیت داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می گیرد (پرامودیتو و نوریانا، ۲۰۲۳). این متغیر به شکل زیر نیز می تواند اندازه گیری شود. در صورتیکه تعداد بخش های تجاری شرکت بیش از یک واحد باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می گیرد. بخش های تجاری تجاری جزئی قابل تفکیک از واحد تجاری است که یک محصول یا خدمت یا گروهی از محصولات یا خدمات مرتبط را ارائه می کند و دارای مخاطره و بازده متفاوت از سایر قسمت های واحد تجاری است (قادری و قادری، ۱۳۹۶).

BD_{it} : نظارت هیئت مدیره

برای اندازه گیری نظارت هیئت مدیره از متغیر استقلال هیأت مدیره که بیانگر نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیأت مدیره است، استفاده می شود (ناظمی و پورعنقا، ۱۳۹۷).

$SIZE_{it}$: اندازه شرکت

لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت (پرامودیتو و نوریانا، ۲۰۲۳).

ROA_{it} : بازده دارایی

نسبت سود خالص شرکت بر کل دارایی های شرکت (کین و همکاران، ۲۰۲۲)

$CAPINT_{it}$: شدت سرمایه

نسبت تجهیزات و اموال خالص به کل دارایی های شرکت (پرامودیتو و نوریانا، ۲۰۲۳).

LEV_{it} : نرخ بدهی

نسبت بدهی های بلند به کل دارایی های شرکت (پرامودیتو و نوریانا، ۲۰۲۳).

سوال های تحقیق

سوال اصلی ۱: استراتژی متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی چه تاثیری دارد؟

سوال فرعی ۱-۱: استراتژی متنوع سازی بین المللی بر اجتناب مالیاتی چه تاثیری دارد؟

سوال فرعی ۱-۲: استراتژی متنوع سازی صنعتی بر اجتناب مالیاتی چه تاثیری دارد؟

سوال اصلی ۲: استراتژی متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره چه تاثیری دارد؟

سوال فرعی ۲-۱: استراتژی متنوع سازی بین المللی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی چه تاثیری دارد؟

دارد؟

سوال فرعی ۲-۲: استراتژی متنوع سازی صنعتی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی چه تاثیری دارد؟

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی ۱: استراتژی متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی ۱-۱: استراتژی متنوع سازی بین المللی بر اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی ۱-۲: استراتژی متنوع سازی صنعتی بر اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری دارد.

فرضیه اصلی ۲: استراتژی متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره تاثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی ۲-۱: استراتژی متنوع سازی بین المللی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری دارد.

معناداری دارد.

فرضیه فرعی ۲-۲: استراتژی متنوع سازی صنعتی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری دارد.

دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف انجام، از نوع پژوهش های کاربردی، از نظر نوع داده های مورد استفاده از نوع پژوهش

های کمی، از نظر نوع روش پژوهش از نوع پژوهش های توصیفی - همبستگی (در این پژوهش از روش رگرسیون

چندگانه برای بررسی تاثیر متغیرهای مستقل بر وابسته استفاده می شود)، از نظر نوع استدلال از نوع پژوهش های قیاسی- استقرایی و از نظر زمان انجام از نوع پژوهش های گذشته نگر (پس رویدادی) است. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت است از تمامی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ست. نمونه پژوهش حاضر، با استفاده از روش حذف سیستماتیک با توجه به محدودیت های زیر زیر در دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ انتخاب می شوند.

۱. شرکت های عضو نمونه باید از ابتدای سال ۱۳۹۵ در فهرست شرکت های بورس و اوراق بهادار تهران درج و تا پایان سال ۱۴۰۱ از فهرست شرکت های بورس و اوراق بهادار تهران خارج نشده باشند.
 ۲. سال مالی شرکت های عضو نمونه، آخر اسفندماه باشد.
 ۳. ماهیت فعالیت شرکت ها تولیدی باشند (بانک ها، بیمه ها، شرکت های سرمایه گذاری، هلدینگ ها، صندوق های سرمایه گذاری و شرکت های واسطه گری مالی به علالت ماهیت فعالیت متفاوت از نمونه تحقیق حذف می شوند)
 ۴. اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای تحقیق در دسترس باشند.
- با اعمال محدودیت های فوق در نهایت ۱۴۲ شرکت نمونه آماری تحقیق حاضر را تشکیل دادند. لیست شرکت ها در ضمیمه پایان نامه ارائه شده است.

روش جمع آوری اطلاعات

در پژوهش حاضر، روش جمع آوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای (آرشیوی) است. برای این منظور اطلاعات مورد نیاز برای نگارش مبانی نظری و ادبیات تحقیق با بررسی مقالات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق، پایان نامه ها، کتاب ها و نشریات مختلف گردآوری می شود. اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه متغیرها نیز از سایت کدال (<https://www.codal.ir/>)، نرم افزار ره آورد نوین، صورت های مالی شرکت ها و یادداشت های توضیحی شرکت ها استخراج می شود. در این تحقیق از بانک اطلاعاتی ره آورد نوین ۳، برای استخراج داده های خام مربوط به صورت های مالی شرکت ها استفاده می شود. بعد از جمع آوری داده ها، محاسبه متغیرها تجزیه و تحلیل اطلاعات در پژوهش حاضر با استفاده از روش های آمار توصیفی (جدول فراوانی، نمودارها، میانگین، میانه، چولگی، کشیدگی، مقادیر کمینه و بیشینه و انحراف معیار) و روش های آمار استنباطی (آزمون نرمال بودن، آزمون همبستگی، رگرسیون چند گانه) استفاده خواهد شد. با توجه به ماهیت داده های پژوهش حاضر که از نوع داده های پانلی است. در بخش آمار استنباطی از آزمون ریشه واحد به منظور بررسی ایستایی متغیرهای پژوهش، آزمون ناهمسانی واریانس خطاهای رگرسیونی، آزمون نرمال بودن جارک-برا، آزمون های F لیمر و هاسمن به منظور انتخاب روش مناسب برآورد انجام می گیرد.

- مدل های رگرسیونی با داده های پانلی

مدل رگرسیونی بر پایه داده های پانلی به صورت زیر است

$$Y_{it} = \alpha_{it} + \sum_{j=1}^k \beta_{jit} x_{jit} + u_{it} \quad \text{مدل رگرسیونی (۱)}$$

در مدل بالا اندیس i بیانگر مقاطع که در تحقیق حاضر شرکت ها هستند، اندیس t بیانگر دوره زمانی، β_{jit} متغیرهای مستقل و Y_{it} متغیر وابسته تحقیق و و نماد u_{it} خطای برآورد مدل با داده های پانلی است که فرض بر این است

دارای توزیع نرمال با میانگین صفر بوده و واریانس آن ۱ می باشد. با توجه به مدل فوق در حقیقت به دنبال برآورد ضرایب رگرسیونی هستیم تا بتوانیم فرضیه های تحقیق را بررسی کنیم.

در مدل رگرسیونی با داده های پانلی اولین آزمون به بررسی مناسب بودن روش پانلی در مقابل روش ترکیبی می پردازد. برای بررسی مناسب بودن روش پانلی در مقابل روش ترکیبی از آزمون F لیمر استفاده می شود. فرض صفر آزمون F لیمر بیان کننده مناسب بودن رگرسیون ترکیبی و فرض مقابل آن مناسب بودن رگرسیون پانلی است. در صورتیکه سطح معناداری آزمون از سطح خطای ۰,۰۵ کمتر باشد با اطمینان ۹۵ درصد، روش پانلی و در غیر این صورت روش ترکیبی انتخاب می شود. در صورت انتخاب روش پانلی به منظور بررسی اثرات ثابت با تصادفی (به بیان دیگر، در مدل رگرسیون پانلی باید مشخص شود که خطای ناشی از برآورد در طی دوره زمان رخ داده یا علاوه بر آن به علت تغییر مقاطع یا متفاوت بودن شرکت ها است). برای اینکار استفاده از اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی پیش می آید. بررسی مناسب بودن روش اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می شود. فرض صفر آزمون هاسمن بیان کننده مناسب بودن اثرات تصادفی و فرض مقابل آن مناسب بودن اثرات ثابت است. در صورتیکه سطح معناداری آزمون از سطح خطای ۰,۰۵ کمتر باشد با اطمینان ۹۵ درصد، روش رگرسیون پانلی با اثرات ثابت و در غیر این صورت روش پانلی با اثرات تصادفی انتخاب می شود.

آزمون مانایی متغیرهای تحقیق

مانایی متغیرهای تحقیق از شروط لازم برای بررسی مدل های رگرسیونی با داده های سری زمانی است. برای بررسی مانایی متغیرهای تحقیق در این بخش از آزمون لوین، لین و چو استفاده می شود. فرض مانایی نشان دهنده ثابت بودن میانگین، واریانس و کوواریانس در طول زمان بری متغیرهای تحقیق است. در صورت عدم مانایی نمی توان به نتایج برآورد رگرسیون اعتماد کرد. در صورتیکه سطح معناداری آزمون لوین، لین و چو از سطح خطای ۰,۰۵ کمتر باشد، با اطمینان ۹۵ درصد مانایی متغیرها تایید می شود.

آزمون فروض رگرسیون کلاسیک

در رگرسیون کلاسیک برای استنباط دقیق باید فرضیه های برقرار باشد. یکی از این فرضیه ها آزمون معناداری کل مدل رگرسیونی است. آزمون معناداری کل مدل رگرسیونی با استفاده از آزمون F فیشر بررسی می شود. فرض صفر آزمون F فیشر بیان کننده عدم معناداری تمامی ضرایب رگرسیونی و فرض مقابل آن بیانگر معناداری حداقل یکی از ضرایب رگرسیونی است و در صورتیکه سطح معناداری آزمون از سطح خطای ۰,۰۵ کمتر باشد معناداری کل مدل تایید می شود. فرض دیگر رگرسیون همسانی واریانس خطاهای مدل رگرسیونی است. برای بررسی همسانی واریانس خطاهای رگرسیونی از آزمون نسبت درستنمایی (LR) استفاده می شود. در صورتیکه سطح معناداری آزمون نسبت درستنمایی (LR) از سطح خطای ۰,۰۵ کمتر باشد، نا همسانی واریانس خطاهای رگرسیونی تایید می شود و برای رفع آن باید از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شود. فرض دیگر ب استقلال خطای رگرسیونی است که برای بررسی آن از آماره دوربین واتسون استفاده می شود و چنانچه عدد بدست آمده بین ۱,۵ تا ۲,۵ قرار بگیرد، استقلال خطاهای رگرسیونی تایید می شود.

آمار توصیفی

در جدول ۱، آمار توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق ارائه شده است. بر اساس این جدول میانگین نرخ مؤثر مالیاتی در شرکت‌ها برابر ۰,۱۰۱۴ با حداقل معیار ۰,۴۱۸۲- و حداکثر مقدار ۰,۹۲۱۴ است. بر اساس این مقدار بدست آمده می‌توان گفت در حدود ۱۰,۱۴ درصد از سود قبل از مالیات به عنوان هزینه مالیات در نظر گرفته شده است و نسبت ۰,۰۷۲۲ نرخ مؤثر مالیات نقدی نیز نشان می‌دهد که ۷,۲۲ درصد از سود قبل از مالیات به عنوان مالیات نقدی توسط شرکت‌ها پرداخت می‌شود. میانگین بازده دارایی‌ها دارای متغیر ۰,۱۳۱۵ است و نشان دهنده این است که در کل سودآوری شرکت‌ها در حدود ۱۳,۱۵ درصد است. این آمار برای متغیرهای دیگر در جدول ۱ ارائه شده است.

میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	
0.1014	0.1157	-0.4182	0.9214	نرخ مؤثر مالیاتی
0.0722	0.1254	-0.6755	0.9500	نرخ مؤثر مالیات نقدی
0.6732	0.1655	0.0000	1.0000	نظارت هیئت مدیره
15.2055	1.7264	10.6609	21.5717	اندازه شرکت
0.1315	0.2079	-1.8215	0.7090	بازده دارایی
0.2578	0.2008	0.0002	0.9754	شدت سرمایه
0.0693	0.1365	0.0000	1.7513	نرخ بدهی

جدول ۲ نشان دهنده توزیع فراوانی متغیر متنوع سازی بین المللی و متنوع سازی صنعتی است. این جدول نشان می‌دهد که از بین ۹۹۴ مشاهده در ۵۹۴ مورد (۵۹,۴ درصد) متنوع سازی بین المللی وجود نداشته و در ۴۰۴ مورد (۴۰,۶ درصد) متنوع سازی بین المللی وجود داشته است. همچنین از بین ۹۹۴ مشاهده در ۶۲۵ مورد (۶۲,۹ درصد) متنوع سازی صنعتی وجود نداشته و در ۳۶۹ مورد (۳۷,۱ درصد) متنوع سازی صنعتی وجود داشته است.

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

درصد فراوانی	فراوانی		
59.4	590	۰	متنوع سازی بین المللی
40.6	404	۱	
62.9	625	۰	متنوع سازی صنعتی
37.1	369	۱	
100.0	994	مجموع	

آزمون مانایی متغیرهای تحقیق

برای بررسی مانایی متغیرهای تحقیق در این بخش از آزمون لوین، لین و چو استفاده می‌شود. فرض مانایی نشان دهنده ثابت بودن میانگین، واریانس و کوواریانس در طول زمان برای متغیرهای تحقیق است. در صورت عدم مانایی نمی‌توان به نتایج برآورد رگرسیون اعتماد کرد. در جدول ۳، آزمون مانایی متغیرهای تحقیق بر اساس روش لوین، لین و چو

انجام شده است. با توجه به این جدول برای تمامی متغیرهای تحقیق یعنی نرخ مؤثر مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات نقدی، متنوع سازی بین المللی، متنوع سازی صنعتی، نظارت هیئت مدیره، اندازه شرکت، بازده دارایی، شدت سرمایه و نرخ بدهی، سطح معناداری بدست آمده کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، بنابراین مانایی متغیرهای تحقیق تایید می شود.

آزمون مانایی متغیرهای تحقیق

لوین، لین و چو			
سطح معناداری	آماره	متغیر	
۰,۰۰۰۰	-۱۹,۵۳۹	ETR_{it}	نرخ مؤثر مالیاتی
۰,۰۰۰۰	-۱۳۶,۴۴۰	$CETR_{it}$	نرخ مؤثر مالیات نقدی
۰,۰۰۰۰	-۱۷,۳۷۳	$DInt_{it}$	متنوع سازی بین المللی
۰,۰۰۰۰	-۱۵,۲۹۲	$DCog_{it}$	متنوع سازی صنعتی
۰,۰۰۰۰	-۵,۸۴۲	BD_{it}	نظارت هیئت مدیره
۰,۰۰۰۰	-۱۸,۰۹۰	$SIZE_{it}$	اندازه شرکت
۰,۰۰۰۰	-۲۰,۱۴۳	ROA_{it}	بازده دارایی
۰,۰۰۰۰	-۲۷,۴۶۲	$CAPINT_{it}$	شدت سرمایه
۰,۰۰۰۰	-۳۰,۸۲۸	LEV_{it}	نرخ بدهی

بررسی مدل رگرسیونی اول

نتایج برآورد مدل اول تحقیق با دو متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی در جدول ۴ ارائه شده است.

نتایج آزمون F لیمر برای مدل اول با هر دو متغیر وابسته نشان می دهد که روش رگرسیون پانلی برای برآورد مدل مناسب است (سطح معناداری آزمون F لیمر در مدل اول با هر دو متغیر وابسته به ترتیب برابر ۰,۰۰۰۰ و ۰,۰۰۰۰ است که کمتر از سطح خطای ۵ درصد است).

نتایج آزمون هاسمن برای مدل اول با هر دو متغیر وابسته نشان می دهد که روش رگرسیون پانلی با اثرات ثابت برای برآورد مدل مناسب است (سطح معناداری آزمون هاسمن در مدل اول با هر دو متغیر وابسته به ترتیب برابر ۰,۰۰۴۰ و ۰,۰۰۰۰ است که کمتر از سطح خطای ۵ درصد است).

نتایج آزمون F فیشر برای مدل اول با هر دو متغیر وابسته نشان می دهد که کل رگرسیون معنادار است (سطح معناداری آزمون F فیشر در مدل اول با هر دو متغیر وابسته به ترتیب برابر ۰,۰۰۰۰ و ۰,۰۰۰۰ است که کمتر از سطح خطای ۵ درصد است)؛ بنابراین نتیجه می شود که حداقل ضرایب یکی از متغیرها مخالف صفر است.

سطح معناداری آزمون نسبت درستمایی (LR) برای مدل اول با هر دو متغیر وابسته نشان می دهد که همسانی واریانس خطاهای رگرسیونی تایید نمی شود (سطح معناداری آزمون نسبت درستمایی (LR) در مدل اول با هر دو متغیر وابسته به ترتیب برابر ۰,۰۰۰۰ و ۰,۰۰۰۰ است که کمتر از سطح خطای ۵ درصد است)؛ بنابراین نتیجه می شود که فرض همسانی واریانس خطاها تایید نمی شود و برای رفع این مشکل باید از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده کرد.

برای بررسی استقلال خطای رگرسیونی در مدل اول نیز آماره دوربین واتسون به ترتیب برابر ۱,۶۷۰ و ۱,۸۳۱ بدست آمده و چون بین اعداد ۱,۵ تا ۲۵ قرار دارد، استقلال خطای رگرسیونی در مدل اول با هر دو متغیر وابسته تایید می شود.

ضریب تعیین مدل اول نیز با متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰,۸۸۷ و با متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر ۰,۶۵۱ بدست آمده است. مقادیر بدست آمده نشان دهنده تبیین ۸۸,۷ درصدی نرخ مؤثر مالیاتی و تبیین ۶۵,۱ درصدی نرخ مؤثر مالیات نقدی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل اول است.

برآورد مدل رگرسیونی اول

$TaxAvoid_{it} = \beta_0 + \beta_1 DInt_{it} + \beta_2 DCog_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 CAPINT_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر وابسته		نرخ مؤثر مالیاتی		نرخ مؤثر مالیات نقدی	
متغیر مستقل		ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
$DInt_{it}$	متنوع سازی بین المللی	0.0355	0.0000	0.0044	0.2874
$DCog_{it}$	متنوع سازی صنعتی	0.0272	0.0000	0.0384	0.0000
$SIZE_{it}$	اندازه شرکت	-0.0012	0.0127	-0.0114	0.0000
ROA_{it}	بازده دارایی	-0.0079	0.0216	-0.0397	0.0000
$CAPINT_{it}$	شدت سرمایه	-0.0222	0.0000	0.0270	0.0000
LEV_{it}	نرخ بدهی	-0.0871	0.0000	-0.0425	0.0000
β_0	مقدار ثابت	0.1089	0.0000	0.2312	0.0000
آماره F لیمر - سطح معناداری		2.996-0.0000		2.229-0.0000	
آماره هاسمن - سطح معناداری		19.078-0.0040		42.248-0.0000	
آماره F فیشر - سطح معناداری		48.126-0.0000		10.775-0.0000	
آماره ناهمسانی LR - سطح معناداری		742.396-0.0000		1237.555-0.000	
آماره دوربین واتسون		1.670		1.831	
ضریب تعیین		0.887		0.651	

فرضیه فرعی ۱-۱: استراتژی متنوع سازی بین المللی بر اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری دارد.

نتایج برآورد مدل رگرسیونی در جدول ۵ نشان داد که ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی بین المللی در تاثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰,۳۵۵ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۰۰ است؛ بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی بین المللی بر نرخ مؤثر مالیاتی تاثیر مثبت و معناداری دارد. از طرفی ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی بین المللی در تاثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر ۰,۰۴۴ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۲۸۷۴ است؛ بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی بین المللی بر نرخ مؤثر مالیات نقدی تاثیر معناداری ندارد. با توجه به تایید تاثیر مثبت و معنادار استراتژی متنوع سازی بین المللی بر نرخ مؤثر مالیاتی، نتیجه می شود که فرضیه فرعی با اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود.

فرضیه فرعی ۲-۱: استراتژی متنوع سازی صنعتی بر اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری دارد.

نتایج برآورد مدل رگرسیونی در جدول ۴ نشان داد که ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی صنعتی در تاثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰,۲۷۲ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۰۰ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی

متنوع سازی صنعتی بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. از طرفی ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی صنعتی در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر ۰,۰۳۸۴ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۰۰۰ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی صنعتی بر نرخ مؤثر مالیات نقدی تأثیر مثبت و معناداری دارد. با توجه به تأیید تأثیر مثبت و معنادار استراتژی متنوع سازی صنعتی بر نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی، نتیجه می شود که فرضیه فرعی با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می شود.

فرضیه اصلی ۱: استراتژی متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

با توجه به تأیید تأثیر استراتژی متنوع سازی بین المللی بر نرخ مؤثر مالیاتی و همچنین با توجه به تأیید تأثیر استراتژی متنوع سازی بر صنعتی نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی، نتیجه می شود که فرضیه اصلی ۱ با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می شود.

- بررسی مدل رگرسیونی دوم

نتایج برآورد مدل دوم تحقیق با دو متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی در جدول ۵ ارائه شده است. نتایج آزمون F لیمر برای مدل دوم با هر دو متغیر وابسته نشان می دهد که روش رگرسیون پانلی برای برآورد مدل دوم مناسب است (سطح معناداری آزمون F لیمر در مدل دوم با هر دو متغیر وابسته به ترتیب برابر ۰,۰۰۰۰ و ۰,۰۰۰۰ است که کمتر از سطح خطای ۵ درصد است).

نتایج آزمون هاسمن برای مدل دوم با هر دو متغیر وابسته نشان می دهد که روش رگرسیون پانلی با اثرات ثابت برای برآورد مدل مناسب است (سطح معناداری آزمون هاسمن در مدل دوم با هر دو متغیر وابسته به ترتیب برابر ۰,۰۰۲۷ و ۰,۰۰۰۰ است که کمتر از سطح خطای ۵ درصد است).

نتایج آزمون F فیشر برای مدل دوم با هر دو متغیر وابسته نشان می دهد که کل رگرسیون معنادار است (سطح معناداری آزمون F فیشر در مدل دوم با هر دو متغیر وابسته به ترتیب برابر ۰,۰۰۰۰ و ۰,۰۰۰۰ است که کمتر از سطح خطای ۵ درصد است). بنابراین نتیجه می شود که حداقل ضرایب یکی از متغیرها مخالف صفر است.

سطح معناداری آزمون نسبت درستمایی (LR) برای مدل دوم با هر دو متغیر وابسته نشان می دهد که همسانی واریانس خطاهای رگرسیونی تأیید نمی شود (سطح معناداری آزمون نسبت درستمایی (LR) در مدل دوم با هر دو متغیر وابسته به ترتیب برابر ۰,۰۰۰۰ و ۰,۰۰۰۰ است که کمتر از سطح خطای ۵ درصد است). بنابراین نتیجه می شود که فرض همسانی واریانس خطاها تأیید نمی شود و برای رفع این مشکل باید از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده کرد.

برای بررسی استقلال خطای رگرسیونی در مدل دوم نیز آماره دوربین واتسون به ترتیب برابر ۱,۶۸۹ و ۱,۸۴۹ بدست آمده و چون بین اعداد ۱,۵ تا ۲۵ قرار دارد، استقلال خطای رگرسیونی در مدل دوم با هر دو متغیر وابسته تأیید می شود.

ضریب تعیین مدل دوم نیز با متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰,۸۵۸ و با متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر ۰,۶۳۷ بدست آمده است. مقادیر بدست آمده نشان دهنده تبیین ۸۵,۸ درصدی نرخ مؤثر مالیاتی و تبیین ۶۳,۷ درصدی نرخ مؤثر مالیات نقدی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل دوم است.

برآورد مدل رگرسیونی دوم

$TaxAvoid_{it} = \beta_0 + \beta_1 DInt_{it} + \beta_2 DCog_{it} + \beta_3 BD_{it} + \beta_4 DInt_{it} * BD_{it} + \beta_5 DCog_{it} * BD_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 CAPINT_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر وابسته:		نرخ مؤثر مالیاتی		نرخ مؤثر مالیات نقدی	
متغیر مستقل		ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
$DInt_{it}$	متنوع سازی بین المللی	0.0367	0.0014	-0.0051	0.6404
$DCog_{it}$	متنوع سازی صنعتی	0.0737	0.0000	0.0496	0.0000
BD_{it}	نظارت هیئت مدیره	0.0396	0.0003	0.0267	0.0318
$DInt_{it} * BD_{it}$		-0.0014	0.9282	0.0126	0.3745
$DCog_{it} * BD_{it}$		-0.0702	0.0000	-0.0163	0.1844
$SIZE_{it}$	اندازه شرکت	-0.0022	0.0134	-0.0098	0.0000
ROA_{it}	بازده دارایی	-0.0081	0.0695	-0.0383	0.0000
$CAPINT_{it}$	شدت سرمایه	-0.0227	0.0000	0.0207	0.0006
LEV_{it}	نرخ بدهی	-0.0862	0.0000	-0.0392	0.0000
β_0	مقدار ثابت	0.0968	0.0000	0.1903	0.0000
آماره F لیمر - سطح معناداری		2.851-0.0000		2.164-0.000	
آماره هاسمن - سطح معناداری		25.275-0.0027		40.142-0.0000	
آماره F فیشر - سطح معناداری		34.097-0.0000		9.866-0.0000	
آماره ناهمسانی LR - سطح معناداری		758.295-0.0000		796.463-0.000	
آماره دوربین واتسون		1.689		1.849	
ضریب تعیین		0.858		0.637	

فرضیه فرعی ۱-۲: استراتژی متنوع سازی بین المللی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری دارد.

نتایج برآورد مدل رگرسیونی در جدول ۵ نشان داد که ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی بین المللی در تاثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰,۰۳۶۷ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۰۱۴ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی بین المللی بر نرخ مؤثر مالیاتی تاثیر مثبت و معناداری دارد. از طرفی ضریب متغیر نظارت هیئت مدیره در تاثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰,۰۳۹۶ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۰۰۳ است. بنابراین نتیجه می شود که نظارت هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی تاثیر مثبت و معناداری دارد. از طرف دیگر ضریب متغیر تعاملی استراتژی متنوع سازی بین المللی و نظارت هیئت مدیره یعنی $DInt_{it} * BD_{it}$ در تاثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰,۰۰۱۴- است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۹۲۸۲ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع

سازی بین المللی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر معناداری ندارد. از طرفی ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی بین المللی در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر ۰,۰۰۵۱- است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۶۴۰۴ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی بین المللی بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر معناداری ندارد. از طرفی ضریب متغیر نظارت هیئت مدیره در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر ۰,۰۲۶۷ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۳۱۸ است. بنابراین نتیجه می شود که نظارتی هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. از طرف دیگر ضریب متغیر تعاملی استراتژی متنوع سازی بین المللی و نظارت هیئت مدیره یعنی $BD_{it} * DInt_{it}$ در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر ۰,۰۱۲۶ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۳۷۴۵ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی بین المللی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیات نقدی تأثیر معناداری ندارد. با توجه به عدم تأیید تأثیر تعاملی استراتژی متنوع سازی بین المللی و نظارت هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی، نتیجه می شود که فیه فرعی فوق مورد تأیید قرار نمی گیرد. فرضیه فرعی ۲-۲: استراتژی متنوع سازی صنعتی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

نتایج برآورد مدل رگرسیونی در جدول ۵ نشان داد که ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی صنعتی در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰,۰۷۳۷ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۰۰۰ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی صنعتی بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. از طرفی ضریب متغیر نظارت هیئت مدیره در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰,۰۳۹۶ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۰۰۳ است. بنابراین نتیجه می شود که نظارت هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. از طرف دیگر ضریب متغیر تعاملی استراتژی متنوع سازی صنعتی و نظارت هیئت مدیره یعنی $DCog_{it} * BD_{it}$ در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰,۰۷۰۲- است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۰۰۰ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی صنعتی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر معکوس و معناداری دارد. از طرفی ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی صنعتی در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر ۰,۰۴۹۶ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۰۰۰ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی صنعتی بر نرخ مؤثر مالیات نقدی تأثیر مثبت و معناداری دارد. از طرفی ضریب متغیر نظارت هیئت مدیره در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر ۰,۰۲۶۷ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۳۱۸ است. بنابراین نتیجه می شود که نظارتی هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. از طرف دیگر ضریب متغیر تعاملی استراتژی متنوع سازی صنعتی و نظارت هیئت مدیره یعنی $DCog_{it} * BD_{it}$ در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر ۰,۰۱۶۳- است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۱۸۴۴ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی صنعتی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیات نقدی تأثیر معناداری ندارد. با توجه به عدم تأیید تأثیر تعاملی استراتژی متنوع سازی صنعتی و نظارت هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی، نتیجه می شود که فرضیه فرعی فوق مورد تأیید قرار می گیرد.

فرضیه اصلی ۲: استراتژی متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره تأثیر معناداری دارد. با توجه به تأیید تأثیر تعاملی استراتژی متنوع سازی صنعتی و نظارت هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی، نتیجه می شود که فرضیه اصلی ۲ با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می شود.

نتایج آزمون فرضیه ها

فرضیه فرعی ۱-۱: استراتژی متنوع سازی بین المللی بر اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری دارد.

نتایج برآورد مدل رگرسیونی فصل چهارم نشان داد که ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی بین المللی در تاثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰,۳۵۵ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۰۰۰ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی بین المللی بر نرخ مؤثر مالیاتی تاثیر مثبت و معناداری دارد. از طرفی ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی بین المللی در تاثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر ۰,۰۴۴ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۲۸۷۴ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی بین المللی بر نرخ مؤثر مالیات نقدی تاثیر معناداری ندارد. با توجه به تایید تاثیر مثبت و معنادار استراتژی متنوع سازی بین المللی بر نرخ مؤثر مالیاتی، نتیجه می شود که فرضیه فرعی با اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود. نتایج این یافته نشان می دهد در صورت متنوع سازی بین المللی، نرخ مؤثر مالیاتی افزایش یافته و بدین ترتیب اجتناب مالیاتی کاهش می یابد. این یافته با یافته های تحقیق پرامودیتو و نوریانا (۲۰۲۳) و کین و همکاران (۲۰۲۲) همخوانی دارد.

فرضیه فرعی ۱-۲: استراتژی متنوع سازی صنعتی بر اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری دارد.

نتایج برآورد مدل رگرسیونی نشان داد که ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی صنعتی در تاثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰,۲۷۲ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۰۰۰ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی صنعتی بر نرخ مؤثر مالیاتی تاثیر مثبت و معناداری دارد. از طرفی ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی صنعتی در تاثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر ۰,۳۸۴ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۰۰۰ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی صنعتی بر نرخ مؤثر مالیات نقدی تاثیر مثبت و معناداری دارد. با توجه به تایید تاثیر مثبت و معنادار استراتژی متنوع سازی صنعتی بر نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی، نتیجه می شود که فرضیه فرعی با اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود. نتایج این یافته نشان می دهد در صورت متنوع سازی صنعتی، نرخ مؤثر مالیاتی افزایش یافته و بدین ترتیب اجتناب مالیاتی کاهش می یابد. این یافته با یافته های تحقیق پرامودیتو و نوریانا (۲۰۲۳) و کین و همکاران (۲۰۲۲) همخوانی دارد.

فرضیه اصلی ۱: استراتژی متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری دارد.

با توجه به تایید تاثیر استراتژی متنوع سازی بین المللی بر نرخ مؤثر مالیاتی و همچنین با توجه به تایید تاثیر استراتژی متنوع سازی بر صنعتی نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی، نتیجه می شود که فرضیه اصلی ۱ با اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود.

فرضیه فرعی ۱-۲: استراتژی متنوع سازی بین المللی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری دارد.

نتایج برآورد مدل رگرسیونی نشان داد که ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی بین المللی در تاثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰,۳۶۷ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۰۱۴ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی بین المللی بر نرخ مؤثر مالیاتی تاثیر مثبت و معناداری دارد. از طرفی ضریب متغیر نظارت هیئت مدیره در تاثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰,۳۹۶ است. سطح معناداری این ضریب برابر ۰,۰۰۰۳ است. بنابراین نتیجه می شود که نظارت هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی تاثیر مثبت و معناداری دارد. از طرف دیگر ضریب متغیر تعاملی استراتژی

متنوع سازی بین المللی و نظارت هیئت مدیره یعنی $BD_{it} * DInt_{it}$ در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر $0,0014-$ است. سطح معناداری این ضریب برابر $0,9282$ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی بین المللی با تأکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر معناداری ندارد. از طرفی ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی بین المللی در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر $0,0051-$ است. سطح معناداری این ضریب برابر $0,6404$ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی بین المللی بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر معناداری ندارد. از طرفی ضریب متغیر نظارت هیئت مدیره در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر $0,0267$ است. سطح معناداری این ضریب برابر $0,0318$ است. بنابراین نتیجه می شود که نظارتی هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. از طرف دیگر ضریب متغیر تعاملی استراتژی متنوع سازی بین المللی و نظارت هیئت مدیره یعنی $BD_{it} * DInt_{it}$ در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر $0,0126$ است. سطح معناداری این ضریب برابر $0,3745$ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی بین المللی با تأکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیات نقدی تأثیر معناداری ندارد. با توجه به عدم تأیید تأثیر تعاملی استراتژی متنوع سازی بین المللی و نظارت هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی، نتیجه می شود که فرضیه فرعی فوق مورد تأیید قرار نمی گیرد. این یافته با یافته های تحقیق پرامودیتو و نوریانا (۲۰۲۳) و کین و همکاران (۲۰۲۲) همخوانی ندارد. فرضیه فرعی ۲-۲: استراتژی متنوع سازی صنعتی با تأکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

نتایج برآورد مدل رگرسیونی نشان داد که ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی صنعتی در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر $0,0737$ است. سطح معناداری این ضریب برابر $0,0000$ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی صنعتی بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. از طرفی ضریب متغیر نظارت هیئت مدیره در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر $0,0396$ است. سطح معناداری این ضریب برابر $0,0003$ است. بنابراین نتیجه می شود که نظارت هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. از طرف دیگر ضریب متغیر تعاملی استراتژی متنوع سازی صنعتی و نظارت هیئت مدیره یعنی $BD_{it} * DCog_{it}$ در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیاتی برابر $0,0702-$ است. سطح معناداری این ضریب برابر $0,0000$ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی صنعتی با تأکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر معکوس و معناداری دارد. از طرفی ضریب متغیر استراتژی متنوع سازی صنعتی در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر $0,0496$ است. سطح معناداری این ضریب برابر $0,0000$ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی صنعتی بر نرخ مؤثر مالیات نقدی تأثیر مثبت و معناداری دارد. از طرفی ضریب متغیر نظارت هیئت مدیره در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر $0,0267$ است. سطح معناداری این ضریب برابر $0,0318$ است. بنابراین نتیجه می شود که نظارتی هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. از طرف دیگر ضریب متغیر تعاملی استراتژی متنوع سازی صنعتی و نظارت هیئت مدیره یعنی $BD_{it} * DCog_{it}$ در تأثیر گذاری بر نرخ مؤثر مالیات نقدی برابر $0,0163-$ است. سطح معناداری این ضریب برابر $0,1844$ است. بنابراین نتیجه می شود که استراتژی متنوع سازی صنعتی با تأکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیات نقدی تأثیر معناداری ندارد. با توجه به عدم تأثیر تعاملی استراتژی متنوع سازی صنعتی و نظارت هیئت مدیره بر نرخ مؤثر

مالیاتی، نتیجه می شود که فرضیه فرعی فوق مورد تایید قرار می گیرد. این یافته با یافته های تحقیق پرامودیتو و نوریان (۲۰۲۳) و کین و همکاران (۲۰۲۲) همخوانی دارد.

فرضیه اصلی ۲: استراتژی متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره تاثیر معناداری دارد. با توجه به تایید تاثیر تعاملی استراتژی متنوع سازی صنعتی و نظارت هیئت مدیره بر نرخ مؤثر مالیاتی، نتیجه می شود که فرضیه اصلی ۲ با اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود.

نتیجه گیری و پیشنهادهای کاربردی تحقیق

نتایج تحقق نشان داد سطح اجتناب مالیاتی شرکت های متنوع کمتر از شرکت های غیر متنوع است. نتایج تحقیق نشان داد استراتژی متنوع سازی بین المللی باعث افزایش نرخ مؤثر مالیاتی و استراتژی متنوع سازی صنعتی باعث افزایش نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی می شود که با افزایش نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی، اجتناب مالیاتی شرکت ها کاهش می یابد. این نتایج بر نقشی که تنوع در اجتناب از مالیات ایفا می کند تأکید دارد. تنوع یک استراتژی توسعه یک شرکت برای ورود به صنایع مرتبط و غیر مرتبط است. از طریق تنوع، یک شرکت می تواند از سرمایه اضافی، فناوری و حتی شهرت تجاری خود بیشترین استفاده را ببرد و به دنبال فرصت های بیشتری باشد. هدف اصلی تنوع، کسب رشد و سود جدید از طریق عملیات فرامرزی است. تنوع نه تنها نمی تواند اجتناب مالیاتی را تسهیل کند، بلکه میزان اجتناب مالیاتی شرکت ها را نیز کاهش می دهد. از طرفی مشخص شد استراتژی متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی با تاکید بر نقش نظارتی هیئت مدیره تاثیر معناداری دارد. به عبارتی استراتژی متنوع سازی صنعتی و نظارت هیئت مدیره بصورت همزمان باعث کاهش نرخ مؤثر مالیاتی شرکت ها می شوند. تئوری نمایندگی استدلال می کند که شرکت های متنوع سازوکار حاکمیت شرکتی ضعیفی دارند و این مکانیسم رابطه بین سهامداران (اصول) و مدیران (نمایندگان) را مختل می کند. این نوع مشکلات باعث ایجاد هزینه نمایندگی می شود و منجر به کاهش استراتژی های مدیران در مورد ارزش شرکت از طریق اجتناب مالیاتی می شود. بر اساس تئوری نمایندگی، شرکت های متنوع کمتر درگیر استراتژی های اجتناب از مالیات هستند تا شرکت های مستقل. با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد می شود مقامات مالیاتی باید مدیران را تشویق کنند تا مزایای بالقوه استراتژی های متنوع سازی شرکت را نشان دهند، بنابراین این استراتژی ها سیگنال های مثبتی را برای سرمایه گذاران، سهامداران و ذینفعان بالقوه جدید و موجود ایجاد می کنند و مکانیسم افشای مالیات را بهبود می بخشند. یافته ها نشان می دهد که مقامات مالیاتی مدیران را تشویق می کنند که تنوع شرکت ها ممکن است به عنوان ابزاری برای کاهش شیوه های اجتناب مالیاتی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین شرکت ها می توانند با متنوع سازی صنعتی و بین المللی می توانند با افزایش مالیات پرداختی باعث افزایش شهرت شرکت شوند. مدیران مستقل احتمالاً به دلیل افزایش سود شرکت در سایه کاهش مالیات پرداختی، می توانند درگیر فعالیت های اجتناب مالیاتی شوند. بنابراین پیشنهاد می شود شرکت ها به دلیل افزایش شهرت شرکت در سایه پرداخت مالیات های منظم و ارائه سیگنال مثبت به سرمایه گذاران تعداد مدیران مستقل (مدیران غیر موظف) را در حد بهینه نگه دارند.

پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی

در این بخش پیشنهادات برای تحقیقات آینده ارائه می شود.

۱. پیشنهاد می شود تاثیر تعدیلی سایر متغیرهای حاکمیت شرکتی در تاثیر استراتژی های متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی بررسی شود.

۲. پیشنهاد می شود موضوع حاضر با تفکیک صنایع بصورت جداگانه بررسی شود.
۳. پیشنهاد می شود تاثیر تعدیلی تغییرات نرخ ارز و رشد اقتصادی در تاثیر استراتژی های متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی بررسی شود.
۴. پیشنهاد می شود تاثیر تعدیلی رشد و سودآوری شرکت در تاثیر استراتژی های متنوع سازی بر اجتناب مالیاتی بررسی شود.

منابع و مآخذ

۱. دارابی، رویا، برزگر، سعید، (۱۳۹۷)، تاثیر اجتناب از مالیات بر رابطه بین مالکیت دولتی و محدودیت مالی شرکت ها. حسابداری دولتی، ۵(۱)، ۵۵-۶۸.
۲. دارابی، علی، دادبه، فاطمه، (۱۳۹۹)، تاثیر متنوع سازی تجاری بر عملکرد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۳(۳۷)، ۵۴-۷۶.
۳. شجاع اله کائی، طاهره و نیک کار، بهزاد، (۱۳۹۷)، آزمون ارتباط استقلال هیات مدیره، اندازه هیات مدیره و کیفیت حسابرسی با اجتناب مالیاتی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۷(۲۸)، ۱-۱۴.
۴. طلائى زاده، علی، نوروش، ایرج، محمدی ملقرانی، عطاالله، سحابی، جلیل، (۱۳۹۹)، بررسی رابطه فرهنگ مالیاتی و ریسک شرکت ها با تأکید بر اجتناب مالیاتی (شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، نشریه پژوهش های حسابداری مالی، ۲(۱۲)، ۷۱-۹۸.
۵. قادری، کاوه، قادری، صلاح الدین، (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر استراتژی متنوع سازی بر ریسک ورشکستگی شرکت ها، دانش حسابداری مالی، ۴(۴)، ۱۱۹-۱۳۷.
۶. صفری گرایلی مهدی، پودینه شیوا، (۱۳۹۵)، اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود: آزمون تجربی از بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات. ۲۴ (۳۱): ۱۰۱-۱۱۸.
۷. قوت مند جزی، عبدالمجید و عرب مازار یزدی، محمد و صفرزاده بندری، محمدحسین، (۱۴۰۰)، نقش متنوع سازی استراتژی های برنامه ریزی مالیاتی در تبیین رابطه اجتناب مالیاتی با ریسک مالیاتی، پژوهش های حسابداری مالی، دوره: ۱۳، شماره: ۴.
۸. ناظمی، امین، پورعنقا، محمدرضا، (۱۳۹۷)، بررسی نقش نظارتی هیأت مدیره در اجتناب مالیاتی شرکت های خانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری، ۵(۱۸)، ۸۳-۱۰۶.
۹. یوسف زاده، زهرا، منصورفر، غلامرضا، غیور، فرزاد، (۱۴۰۰)، تاثیر استراتژی های متنوع سازی بر عملکرد موجودی کالا، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۸(۷۱)، ۱۱۳-۱۴۲.
10. Balakrishnan, K., Blouin, J. L., & Guay, W. R. (2019). Tax aggressiveness and corporate transparency. *The Accounting Review*, 94, 45-69.
11. Blaylock, B. S. (2016). Is tax avoidance associated with economically significant rent extraction among U.S. firms? *Contemporary Accounting Research*, 33, 1013-1043.
12. Cevik, S., & Miryugin, F. (2022). Death and taxes: Does taxation matter for firm survival? *Economics & Politics*, 34(1), 92-112.
13. Chakrabarti, A., Singh, K., & Mahmood, I. (2007). Diversification and performance: Evidence from East Asian firms. *Strategic Management Journal*, 28(2), 101-120. <https://doi.org/10.1002/smj.572>

14. Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79, 145–179.
15. Hanlon, M. & J. Slemrod. (2009). What Does Tax Aggressiveness Signal? Evidence from Stock Price Reactions to News about Tax Shelter Involvement, *Journal of Public Economics*, 93.
16. Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 127-178.
17. Kaplan, S. N. and M. S. Weisbach, 1992, The success of acquisitions: evidence from divestitures. *J Finance*, 47, pp. 107–38.
18. Lewellen, W. G., 1971, A pure financial rationale for the conglomerate merger. *J Finance*, 26, pp. 521–37.
19. Mills, L. F. (1998). Book-Tax differences and internal revenue service adjustments. *Journal of Accounting Research*, 36, 343–356.
20. O'Brien, D. P. and O. E. Williamson, 1976, Markets and hierarchies: Analysis and antitrust implications. *Econ J*, 86, pp. 619–21.
21. Olibe, K. O., Rezaee, Z., Flagg, J., & Ott, R. (2019). Corporate diversification, debt maturity structures, and firm value: The role of geographic segment data. *The Quarterly Review of Economics and Finance*.
22. Pramudito, R., & Nuryanah, S. (2023). The Effect of Diversification Strategy on Corporate Tax Aggressiveness With Board Effectiveness as the Moderating Variable. *Sage Open*, 13(3). <https://doi.org/10.1177/21582440231189169>
23. Zheng, S. (2017). Can corporate diversification induce more tax avoidance? *Journal of Multinational Financial Management*, 41, 47–60. <https://doi.org/10.1016/j.mulfin.2017.05.008>

ABSTRACT

Today, in the financial literature of companies, tax avoidance is one of the most important financial discussions, and it has received a lot of attention in political and academic discussions. Tax avoidance refers to a variety of tax planning strategies and practices aimed at reducing taxable income. Diversification of companies is also a strategy that companies use to diversify their business. The purpose of this research is the impact of diversification strategies on tax avoidance with emphasis on the monitoring role of the board of directors. This research is a type of applied research. The statistical sample of the research includes 142 companies in the period from 1395 to 1401. The analysis method is also multiple regression with panel data. The results of the research hypotheses test confirm the positive and significant impact of the international diversification strategy on the effective tax rate. Finally, it was found that the strategy of international diversification and the strategy of industrial diversification with the monitoring of the board of directors do not have a significant effect on the effective rate of cash tax, and only the strategy of industrial diversification with the monitoring of the board of directors has a negative and significant effect on the effective rate of tax.

Keywords

Diversification strategies, tax avoidance, monitoring role of board of directors
